

سخن سردبیر

حل مشکلات کشور کار مدیران است یا دانشمندان؟

یکی از فرافکنی‌های مرسوم مدیران این است که در مواجهه با اساتید و عالمان دانشگاهی، مدعی می‌شوند که حرف‌ها و پژوهش‌های شما ناکارآمد و به‌دردنخور است و صرفاً منجر به مقالات بین‌المللی (ISI) می‌شود که دردی از کشور جامعه دوا نمی‌کند. مردم ایران، این همه مشکل دارند و شماها پول آن‌ها را صرف می‌کنید و فقط مشغول مقاله نوشتن برای انتشار در مجلات ISI هستید.

این که ممکن است بعضی مقالات کشورها، غیرکاربردی و حتی گاهی تقلبی و کپی باشند، امری است که همه به آن معترفیم. به هر حال وقتی نادرست‌کاری در جامعه‌ای رایج شد، در همه اقشار، کم و بیش می‌توان آن را دید و دانشگاهیان هم فرزندان و پرورش‌یافتگان همین جامعه کنونی هستند. اما انصاف این است که به چند نکته زیر نیز توجه کنیم:

نکته اول: گیرم که مقاله نوشتن و چاپ آن در مجلات بین‌المللی، امری مذموم باشد؛ پس چرا دائماً به رتبه علمی کشور و صعود آن در جهان، استناد کرده و به آن می‌باید، در حالی که تنها شاخص‌تان همین تعداد مقالات بین‌المللی است؟

نکته دوم: آیا ضرورت کاربردی بودن تحقیقات، فقط در مواجهه با دانشگاهیان مطرح است و یا جرأت دارید که در مواجهه با پژوهش‌های حوزوی هم همین را بگویید که چرا نتوانسته‌اند مشکلات معنوی کشور و مردم را حل کنند؟

نکته سوم: علاوه بر مدیران، اخیراً برخی از استادان دانشگاه هم این ادعا را تکرار می‌کنند که اگر به کارنامه آنان دقت شود، همان دسته اعضای هیات علمی هستند که به علت اشتغال به برج‌سازی و مقامات اجرایی و امورات فرهنگی یا هر دلیل دیگری، موفق به انتشار مقالات بین‌المللی نمی‌شوند و ارتقاء دانشگاهی آنان در معرض خطر است.

نکته چهارم: در بین کشورهای پیشرفته دنیا (که مشکلاتشان بیشتر از ما حل شده است) یک کشور را نشان بدهید که در آن، مهم‌ترین شاخص ارزیابی اساتید دانشگاه، تعداد مقالات آن‌ها در مجلات درجه اول دنیا نباشد!

نکته پنجم و از همه مهم‌تر: اگر کار استاد دانشگاه حل مشکل کشور است، پس وظیفه مدیرانی که حقوق و امکانات بسیار بیشتری از بیت‌المال می‌گیرند چیست؟ مگر آن‌ها را بابت حل مشکلات کشور استخدام نکرده‌ایم؟ اصلاً از استاد و محقق دانشگاهی، چه انتظاری جز تبیین مشکلات هست؟ سال‌هاست هزاران مقاله علمی نوشتند و ثابت شد که اضافه برداشت فعلی آب (که دائماً هم رو به تزاید است) موجب خالی شدن مخازن چند میلیون ساله و فرونشست زمین و از بین رفتن تمدن در فلات ایران می‌شود. آیا استادان دانشگاه باید بروند و چاه‌های غیرمجاز را پلمپ کنند یا مدیران اجرایی؟ همه استادان اقتصاد کشور، گفتند و نوشتند که کسری بودجه دولت موجب تورم است. آیا دولت‌ها به آن عمل کردند؟ چه توقع دیگری از دانشگاهیان دارید؟ در ماجرای ریزش متروپل، آیا ایراد از این بوده که دانشگاه‌های ما نمیتوانند بتون خوبی ابداع کنند یا از این بوده که تعدادی مدیر فاسد با زد و بند، مجوزهای غیرقانونی صادر کرده‌اند؟

معضلات کشور، از جنس "ندانستن" نیستند که توسط عالمان و دانشمندان حل شوند؛ بلکه از جنس "خود را به نفهمیدن زدن" هستند و باید جور دیگری با آن‌ها برخورد کرد.